



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوالی درباره مسائل گذشته مطرح شده و اینطور نوشته شده که: "ولو كان إخوة للأب صالحين للحجب كان الرد على البنت والأب أرباعاً"، قبلاً این فرع را مطرح و مورد بحث قرار دادیم و عرض کردیم که اگر شخصی از دنیا رفته درحالی که پدر و مادر و بنت واحده دارد در اینصورت چون میت اولاد دارد سهم پدر سدس و مادر سدس می باشد ولی اگر میت اولاد نداشت سهم هرکدام از ابویین ثلث بود، بنت واحده نیز نصف می برد، دو مخرج ۶ و یک مخرج ۲ داریم ۲ در ۶ داخل است لذا اکثر که ۶ باشد را أخذ می کنیم و ترکه را به ۶ قسمت تقسیم می کنیم و بعد سه ششم متعلق به بنت واحده و یک ششم متعلق به پدر و یک ششم متعلق به مادر می باشد و یک ششم باقی می ماند که أرباعاً بین دختر و پدر تقسیم می شود و به مادر از این یک ششم اضافه چیزی داده نمی شود زیرا إخوة حاجب او بودند، حالا ایشان در تقسیم یک سهم باقیمانده بین ابویین و بنت واحده به سراغ متوافقین رفته اند منتهی ما عرض می کنیم که جای متوافقین و کلاً چهار نسبتی که قبلاً برای مخارج ذکر کردیم (متداخلین، متوافقین، متمائلین، متباینین) اینجا و در مرحله دوم که می خواهیم مقدار اضافه را تقسیم کنیم نیست، بلکه راهش این است که وقتی می خواهیم آن یک ششم اضافه را تقسیم کنیم باید ببینیم به چند سهم تقسیم می شود یعنی در اینجا سهام معتبر می باشد، لذا سهم دختر یعنی ۳ و سهم پدر یعنی ۱ با هم جمع می شوند و بعد

مجموع سهامشان یعنی ۴ ضرب در ۶ که فريضه ی اولیه بود می شود و حاصل ضرب می شود ۲۴ و حالا سه چهارم از ۲۴ تا یعنی ۱۸ سهم را دختر و یک چهارم از ۲۴ تا یعنی ۶ سهم را پدر می برد. خب و اما بچثمان در طبقه دوم ارث یعنی إخوة و أجداد بود، مقداری از کلام مرحوم نراقی در مستند الشیعة را خواندیم و الان تمه کلام ایشان را می خوانیم که فرمودند: «المسألة الثالثة: إذا انفرد الأخ للأب والأُم كان له المال كله بالقرابة؛ للإجماع، ومنع الأقرب للأبعد، وأحقية السابق، وقول أبي جعفر عليه السلام في صحیحة بکیر الطويلة: "فإنَّ الله قد سمى للأخ الكل".^۱

صحیحه بکیر خبر ۳ از باب ۳ از ابواب میراث إخوة و أجداد است که در آن حضرت با استدلال به آیه شریفه: «إِنَّ أَمْرًا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَكَدَّ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَكَدٌّ»^۲ فرمودند " وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَكَدٌّ" یعنی کل مال را ارث می برد.

مرحوم نراقی در ادامه اینطور می فرماید: «وصحیحته الأخری: عن أختین وزوج، فقال: " النصف والنصف" فقال الرجل: أصلحك الله قد سمى الله لهما أكثر من هذا: لهما الثلثان، فقال: "ما تقول في أخ وزوج؟" فقال: النصف والنصف، فقال: "أليس قد سمى الله له المال فقال: وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَكَدٌّ"»^۳.

^۱ مستند الشیعة، ملا احمد نراقی، ج ۱۹، ص ۲۶۰.

^۲ سوره نساء، آیه ۱۷۶.

^۳ مستند الشیعة، ملا احمد نراقی، ج ۱۹، ص ۲۶۰.

فقال زرارة : وهذا قائم عند أصحابنا لا يختلفون فيه.^۵

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی .. .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

صحیحہ أخری از بکیر، خبر ۱ از باب ۳ از ابواب میراث إخوة و اجداد می باشد که در آن حضرت فرموده شوهر نصف مال و نصف دیگر را اُختین می برند، خبر این است: ﴿محمد بن الحسن باسناده عن الفضل بن شاذان، عن ابن أبي عمير، عن جميل بن دراج، عن بکیر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سأله رجل عن أختين وزوج فقال: النصف والنصف، فقال الرجل: قد سمي الله لهما أكثر من هذا لهما الثلثان، فقال: ما تقول في أخ وزوج؟ فقال: النصف والنصف، فقال: أليس قد سمي الله له المال، فقال: وهو يرثها إن لم يكن لها ولد.﴾^۴

بنابراین باید توجه داشته باشیم که موارد با هم فرق دارند کسانی که در صورت زیاده بیشتر می برند اگر کم باشد نیز نقص بر آنها وارد می شود و در اینجا نیز این برادران به همین ترتیب می باشند.

ادامه کلام مرحوم نراقی: «و رواية موسى بن بكر : قال، قلت لزرارة : إن بکیراً حدثني عن أبي جعفر عليه السلام : (أنّ الإخوة للأب والأخوات للأب والأم يزدون وينقصون لأنهن لا يكن أكثر نصيباً من الإخوة والأخوات للأب والأم لو كانوا مكانهن ، لأنّ الله تعالى يقول : "إِنْ أَمْرُؤُ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ" ، يقول : يرث جميع مالها إن لم يكن لها ولد ، فأعطوا من سمي الله له النصف كمالاً ، وعمدوا فأعطوا (از طرف اهل بيت عليهم السلام) الذي سمي الله له المال كله أقل من النصف ، والمرأة لا تكون أبداً أكثر نصيباً من رجل لو كان مكانها) قال :

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۱، ابواب موجبات الارث، باب ۳،

حدیث ۱، ط الإسلامیة.

^۵ مستند الشیعة، ملا احمد نراقی، ج ۱۹، ص ۲۶۰.